

تقدیم به

پدر، مادر و همسر عزیز و مهربانم که با همه مشکلات و سختی‌های زندگی ساختند و چونان شمعی سوختند تا من به تحصیل بپردازم.

تشکر

بر خود لازم می‌دانم به مصداق حدیث شریف «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» از کلیه عزیزان و سرورانی که در تهیه و تدوین این پژوهش مرا یاری و مساعدت فرمودند خصوصا استاد ارجمندم «جناب حجه الاسلام و المسلمین دکتر یدالله یزدان‌پناه» که با راهنمایی‌های ارزنده و مشفقانه خویش چراغ راهم بودند و زحمات بسیاری در این جهت متقبل شدند، و همچنین از استاد بزرگوار «جناب حجه الاسلام و المسلمین آقای دکتر احمد واعظی» که مشاوره این اثر را برعهده داشتند، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم.



پایان نامه کارشناسی ارشد رشته کلام و فلسفه اسلامی

دانشگاه باقرالعلوم

عنوان پایان نامه

روش تفسیری عرفانی عارف محقق صدرالدین قونوی

استاد راهنما

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر یدالله یزدان پناه

استاد مشاور

حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر احمد واعظی

نگارش

جواد جعفریان

1388

باسمه تعالی

چکیده

عارف سترگ جناب صدرالدین قونوی از برجسته‌ترین افراد مؤثر در مباحث عرفان نظری و مهم‌ترین شارح مبانی شیخ اکبر است. وی با قلم توانای خود علاوه بر مباحث عرفان نظری، نگاهی نیز به تطبیق این مبانی در شرح احادیث و آیات شریفه قرآن به خصوص سوره حمد داشته که از آن به عنوان تفسیر باطنی یا تاویل نام می‌بریم. تفسیر باطنی یا تاویل در واقع حاصل تلاشی است که عارفان به موازات شناخت چیش نظام هستی (کتاب تکوین)، در فهم بطون هفت‌گانه متون دینی به خصوص قرآن مجید (کتاب تشریح) انجام داده‌اند.

در این مسیر، جناب صدرالدین تلاش کردند، علاوه بر بهره‌گیری از مباحث عرفان نظری و کشفیات خود، به برخی از روش‌ها و مبانی آن‌ها اشاره کنند تا راه رسیدن به معارف و اصول دین از مسیری غیر از کشف نیز هموار شود. از این روش‌ها تعبیر به روش‌های فنی - عمومی شد.

این روش‌ها عبارتند از: روش طولی، روش عرضی و روش جری و تطبیق که در این رساله به تعریف و مبانی آن‌ها اشاره شده است. منظور از روش طولی زدودن و پیرایش زبان عرفی و رسیدن به روح معناست. در روش عرضی جمیع معانی محتمل یک لفظ، پذیرفته می‌شود. معنای موافق با سیاق تفسیر آیه و بقیه معانی نوعی تاویل به شمار می‌روند که از آن به تاویل عرضی نام می‌بریم. در جری و تطبیق نیز حکم از فردی بر فرد دیگر تطبیق داده می‌شود.

روش‌های فوق دارای مبانی مشترکی - نظیر امکان فهم معانی باطنی قرآن و حدیث، بطون داشتن کتاب تکوین، کتاب تشریح و حقیقت انسانی - و مبانی مختصی - نظیر «وضع الفاظ برای روح معنا» در تاویل طولی و جری و تطبیقی و «استعمال لفظ در اکثر از معنای واحد» در تاویل عرضی - هستند. در پایان نیز به نقش کشف و شهود در فهم متون دینی و نقش آن در روش فنی عمومی اشاره شده است.

1- فصل اول: کلیات

2-1-1. بیان مسأله

قرآن حقیقتی است بسیار ژرف و بی‌انتها، و هر مسلک و مذهبی مطابق ذوق و سلیقه خود پرده‌ای از این حقیقت را آشکار می‌کند. فقیه، متکلم، فیلسوف هر کدام با پذیرش مبانی و ملاکات خاصی برداشتی خاص از قرآن ارائه می‌دهند. به نظر می‌رسد برخی از این روش‌ها و ملاک‌ها و مبانی صحیح نباشد. اما در این میان عارفان مسلمان که اساس عرفان و معرفت خود را مدیون کتاب و سنت می‌دانند - دارای شیوه خاصی برای فهم متون دینی هستند که متمایز از روش مذاهب دیگر و در عین حال عمیق‌تر از آنهاست. اینان با استفاده از درهم تنیده بودن ظاهر و باطن و نقب زدن به لایه‌های درونی آیات مطالب نغز و نابی را عرضه کردند که کمتر مورد توجه محققان بوده است.

در میان خیل عظیم عرفان، و به علت گسترده بودن این بحث، بررسی دیدگاه اهل عرفان را منحصر به دیدگاه و روش مورد استفاده جناب صدرالدین قونوی کردیم. در این نوشتار درصدد یافتن روش و طریقه خاص ایشان در فهم قرآن و حدیث با عنایت به دو کتاب «اعجاز البیان فی تفسیر أم القرآن» و کتاب «شرح الاربعین حدیثا» هستیم.

شایان ذکر است منظور از روش تفسیری، معنای عام از تفسیر یعنی تفسیر متون دینی است و لذا بحث‌های ایشان را هم در قرآن و هم در حدیث پی خواهیم گرفت.

3-2-1. علت انتخاب موضوع، اهمیت و فایده آن

در طول تاریخ، همواره، عارفان مسلمان متهم به تأویل ناصحیح و برداشت‌های غیر قابل قبول از قرآن و حدیث بوده‌اند، این اتهام نسبت به عارفانی که دستی در عرفان نظری نیز داشتند به نحو شدیدتری مطرح بوده و هست. با فهم دقیق روش این بزرگان در فهم آیات و احادیث صحت یا کذب این اتهام روشن می‌شود.

از سوی دیگر، چنین پژوهش‌هایی می‌تواند چراغی فراروی محققان در تفسیر قرار دهد؛ تا با روش خاص اهل عرفان در فهم متون دینی آشنا شده و علاوه بر درک گفته‌های آنان، راه آنان را در فهم دقیق متون شریعت پی بگیرند.

4-3-1. سابقه پژوهش

در خصوص روش عارفان در تفسیر قرآن، کتاب‌ها و رساله‌هایی تدوین شده است؛ نظیر کتاب «روش‌های تأویل قرآن» و همچنین در مباحث مقدماتی برخی از تفاسیر، به این روش اشاره شده است؛ مثل جلد اول کتاب «تفسیر محیط اعظم» و همچنین در کتاب‌هایی که درباره روش‌های تفسیری قرآن تألیف شده مثل کتاب «التفسیر و المفسرون» یا کتاب «التمهید»، نکاتی ذکر شده است.

ولی با این حال در خصوص دیدگاه خاص جناب صدرالدین قونوی که یکی از برجسته‌ترین عارفان است، بحثی عنوان نشده است.

5-4-1. سوال اصلی پژوهش

روش فهم و تفسیر جناب صدرالدین قونوی از قرآن و سنت چگونه است؟ منابع و ملاکات و ضوابطی را که در تفسیر و تأویل متون دینی به کار گرفته کدام است؟

6-5-1. فرضیه‌های پژوهش

جناب صدرالدین قونوی با تبحری که در عرفان نظری دارد و از طرف دیگر صاحب کشف است، کلام الهی را آن‌گونه که بر او جلوه کرده و در وجودش پیاده شده، چشیده و گوشه‌ای از این معارف را در ذیل آیات و احادیث شریف بیان داشته است. به تعبیر حضرت آیت الله جوادی آملی، فهم عارفان از شریعت و کلام الهی نظیر افرادی است که از طریق نفس به خدای تبارک و تعالی راه پیدا می‌کنند، همان طور که روح انسان دارای بطونی است، قرآن نیز بطونی دارد و هر چه انسان بتواند مسیر تهذیب نفس و سیر الی الله را طی کند، به همان میزان قرآن در جان او می‌نشیند. قونوی نیز بی‌نصیب از فیوضات و تجلیات الهی نبوده است تا جایی که ادعای آن دارد که به تجلی ذاتی رسیده است و فهم او از قرآن و حدیث نیز به همان میزان است. با توجه به نکات فوق فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

- یک. فهم عارف بالله از قرآن، فهمی است مطابق با لایه‌های درونی و ژرف قرآن و این فهم هیچ‌گاه مخالف با روح قرآن نیست.
- دو. روش عارف در فهم متون دینی، روش انفسی است بر خلاف روش دیگران که روش آفاقی است.

7-6-1. سوالات فرعی پژوهش

معنای تفسیر و تاویل و تفاوت آن دو چیست؟ به طور کلی چه روش‌هایی برای فهم متون وجود دارد و در این میان چه مکاتبی از تاویل استفاده کرده‌اند؟ روش‌های فهم تاویل عرفانی چیست؟ مبانی هستی‌شناسی و زبان‌شناختی تاویل چیست؟ انواع تاویلی که جناب قونوی به کار گرفته کدام است؟ و ملاک تاویل صحیح نزد ایشان چیست؟

8-7-1. پیش فرض های پژوهش

تفسیرهای اهل عرفان دارای عمق خاصی است و نوعاً در اثر کشف و شهود و پیاده شدن حقیقت قرآن در جان آنها به دست آمده است. جناب صدرالدین نیز صاحب کشف است و توشه‌های فراوانی از این دریای بی انتها برگرفته است.

9-8-1. اهداف پژوهش

هدف از این پژوهش یافتن روش فهم صدرالدین قونوی از متون شریعت و رسیدن به راهکارهای معقول و مورد پسند شرع و عقل در فهم آیات و احادیث است.

10-9-1. واژه شناسی

11-9-1-1. واژه شناسی تفسیر

12-9-1-1-1. تفسیر در لغت

در کتب لغت، برای کلمه تفسیر دو ریشه ذکر شده است؛ بعضی آن را مشتق از «فسر» و بعضی مشتق از «سفر» گرفته‌اند. فسر به معنای جدا کردن، بیان، توضیح دادن و کشف و آشکار ساختن امر پنهان یا معنای معقول آمده است¹. کسانی که تفسیر را از «فسر» دانسته‌اند در معنای تفسیر اختلاف دارند، بعضی آن را مرادف فسر و

- رک: رجبی، محمود، روش شناسی تفسیر قرآن، قم، انتشارات سمت، 1379 ش. برای نمونه به برخی از این تعاریف 1

اشاره می‌کنیم: «الفسر: البيان و بابه ضرب و التفسیر مثله. مختار الصحاح، ص 245.» «فسر کلمة واحدة تدل علي بيان شيء و ايضاحه. مقاييس اللغة.» «الفسر البيان يقال فسرت الشيء من باب ضرب بينته و أوضحته. مجمع البحرين، ج 3، ص 438 و مصباح المنير، ج 2، ص 472.» «الفسر التفسیر و هو بيان و تفصيل للكتاب. العين، ج 7، ص 247، المحيط في اللغة ج 2، ص 259.» «فسر: ايضاح و تبیین. فسر الشيء بينه و أوضحه. تفسیر نیز بدان معنی است.» «الفسر الابانة و كشف المغطي كالتفسیر... أو هو كشف المراد عن المشكل. القاموس المحيط، ج 1، ص 483.» «الفسر البيان و قد فسرت الشيء أفسره فسرا و التفسیر مثله: الصحاح في اللغة، ج 2، ص 781.» «فسر: ثعلب عن ابن الاعرابي: الفسر: كشف ما غطي و قال الليث: الفسر التفسیر و هو بيان و تفصيل للكتاب. تهذيب اللغة، ج 4، ص 279.»

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

بعضی مبالغه آن دانستند. «سفر» نیز به معنای کشف است.^{2 3} بنابراین دو کلمه «فسر» و «سفر» علاوه بر حروف، به لحاظ معنی نیز مشابه یکدیگر می شوند. در این جا صرفا به کلام راغب اصفهانی بسنده می کنیم. راغب تفسیر را مشتق از «فسر» دانسته و تفاوت این دو را در این می داند که «فسر» اظهار معنای معقول و «سفر» کشف غطاء و برداشتن پوشش از اعیان محسوس است.⁴

به عبارت دیگر تفاوت بین این دو واژه این است که اولی به معنای کشف غطاء از امور معقول و غیر حسی و مطالب علمی و معنوی است و دومی کشف غطا از امور و اعیان حسی و خارجی. موارد استعمال کلمه «سفر» نیز این ادعا را اثبات می کند.⁵ با توجه به کلام راغب چند نکته به دست می آید:

نکته اول این که به صرف اظهار یک معنا، تفسیر اطلاق نمی شود بلکه آن معنا باید معنایی معقول و دور از حس و محسوسات و امری معنوی باشد.

نکته دوم در عبارت ایشان این است که فسر در باب «تفعیل» حالت مبالغه به خود می گیرد و تفسیر یعنی «به خوبی معنای معقول را آشکار کردن». وقتی بحث از تفسیر متن مطرح است بدین معناست که شخص به دنبال معنایی فراتر از ترجمه و مترادفات الفاظ متن باشد. ترجمه یک عبارت تفسیر تلقی نخواهد شد. هدف اصلی در ترجمه رسیدن به معانی ظاهری الفاظ در زبانی دیگر است. همچنین واضح کردن عبارات به واسطه کلمات مترادف در همان زبان، نیز تفسیر نخواهد بود. مفسر یک متن در واقع به دنبال سطحی برتر از مقام وضع الفاظ است و آن فهم مراد جدی متکلم است. به عبارت دیگر تفسیر در جایی مطرح است که نوعی ابهام و خفاء

«و الفسر من قولهم : فسرت الحديث أفسره فسرا ، إذا بيّنته و أوحضته؛ و فسرتة تفسيرا كذلك. جمهرة اللغة ، ابن دريد، ج 1، ص 390.»

- ابوالفتوح رازي، حسين بن علي، روض الجنان و روح الجنان في تفسير القرآن، مشهد، بنياد پژوهش هاي آستان قدس 2

رضوي، 1408ق.ج 1، ص 24.

. طريحي، فخرالدين بن محمد، مجمع البحرين. تهران، انتشارات مرتضوي، 1375ش، ج 3، ص 3438.

- راغب اصفهاني، ابوالقاسم حسين، المفردات في غريب القرآن، تحقيق صفوان عدنان الداودي، دمشق، دار العلم الشامية، 4

1412ق. ذيل ماده فسر و سفر.

- ر. ك: رجبي، محمود، همان، ص 7. 5

وجود داشته باشد. مفسر درصدد پرده برداری و کشف مقصود متکلم است و نیاز به تأنی و تأمل در متن دارد تا بتواند به آن معنی و مراد دست یابد.

حاصل مطالب فوق این است که تفسیر مبالغه فسر و فسر به معنای کشف معنای معقول است، لذا تفسیر به معنای به خوبی آشکار کردن مطالب علمی و معنوی و غیر محسوس است. فهم حقایق و معارف از کلام خداوند و رسول او نیز فهم حقایق علمی و معنوی و معقول است و به مجموعه چنین معارفی علم تفسیر قرآن و حدیث گویند.

13- 1-2-1-9. تفسیر در قرآن

واژه تفسیر در قرآن تنها یک مرتبه ذکر شده است. خداوند در سوره فرقان بعد از بیان برخی از ایرادها و بهانه‌های کافران و پاسخ به آنها می‌فرماید: «ولا یأتونک بمثل إلا جئناک بالحق و أحسن تفسیراً: مثالی برای تو نمی‌آورند مگر آن که حق را با توضیح بهتری به سوی تو آوردیم»⁶.

اغلب مفسرین کلمه «احسن تفسیراً» در این آیه را به معنای بهترین تفصیل، بیان، کشف و آنچه بر رد سخنان آنان گویاتر است معنا کرده‌اند و لذا تفسیر در آیه فوق به معنای بیان است.⁷

نکته دیگر در آیه فوق این است که معنای تفسیر بیان و کشف معنای معقول است. توضیح مطلب این که سخن کافران در آیات قبل در مورد انکار نبوت پیامبر اکرم 9 و استبعاد مسأله معاد است. خداوند در برابر سخنان آنان پاسخی می‌آورد که بهترین بیان برای کشف حقیقت نبوت و اثبات معاد است. این دو امر امری معقول و غیر حسی هستند و لذا تفسیر حق نیز کشف معنای معقول است.

طبق آنچه در مباحث قبل گذشت، روشن می‌شود که معنای واژه تفسیر در قرآن همان معنای لغوی تفسیر یعنی کشف از معنای معقول و غیر حسی است.

6. سوره الفرقان، 6.33

7. رک: رجبی، محمود، ص 7.10

14- 3-1-9-1. تفسیر در اصطلاح

تفسیر در اصطلاح عام به شرح و توضیح کتاب‌های علمی، ادبی و فلسفی اطلاق می‌شود. اما در اصطلاح خاص مفسران قرآن کریم و علوم عقلی بدین صورت است که: برخی از مفسرین تعریفی برای تفسیر ارائه نکرده و گویا آن را به وضوح معنای متبادر عرفی واگذاشته‌اند⁸ ولی در عین حال تعریف‌هایی از طرف برخی دیگر از مفسرین و دانشمندان علوم قرآنی ارائه شده است. شیخ طوسی دامنه تفسیر را به حدی گسترش داده که شامل همه علوم قرآنی و علوم مرتبط با دین و شریعت می‌شود. وی هر آن چه را که باعث آشکار ساختن معنا و کشف مراد قرآن شود از جمله علم قرائت، معانی، اعراب، بحث از متشابهات و حتی پاسخ شبهات کافران و فرقه‌های منحرف مثل مجبره، مفوضه و مجسمه را تحت حیطة تفسیر دانسته است.⁹

تعاریف ذکر شده به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند. برخی تفسیر را به عنوان یک تلاش فکری در نظر گرفته و آن را تعریف کرده‌اند و برخی دیگر آن را به عنوان یک علم مد نظر قرار داده و تعریف کردند. در جمع بین این دو دسته از تعریف باید بگوییم حاصل همه تلاش‌های مفسر در فهم قرآن و درک مراد خداوند از آن، مجموعه‌ای است از علوم تصویری و تصدیقی که می‌توان از آن به عنوان علم تفسیر نام برد..

در تعریف اصطلاحی تفسیر باید به چند نکته توجه کنیم؛

یک. تفسیر در اصطلاح مفسران علوم قرآنی به معنای کشف و پرده‌برداری از مقصود و مراد مؤلف است و زمانی فهم یک متن حاصل می‌شود که بتوان به مقاصد مؤلف و گوینده آن پی برد. در مقابل این دیدگاه، دیدگاهی است که می‌گوید بازگشت فهم یک متن به تحلیل عناصر روان شناختی مؤلف است. اینان بر آن هستند که برای فهم یک متن بایستی علل روانی و انگیزه‌هایی که موجب شده چنین کلامی از او صادر شود، پی برد.

- رک: مرکز فرهنگ و علوم قرآنی، علوم القرآن عند المفسرین، ج 3، ص 169-186؛ نجارزادگان، ففتح الله، تفسیر 8

تطبیقی، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی، 1383ش، ص 21. و رجبی، محمود، همان، ص 12. در این سه کتاب به بیش از سی تعریف از قدامت و متأخرین از مفسران اشاره شده است.

- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج 1، ص 9.2

نظریه سوم این است فهم یک متن به معنای دستیابی به فضای فکری مؤلف نسبت به موضوع و تلاقی افق نگاه خواننده با آن است. آنچه در این رساله مد نظر است دیدگاه اول نسبت به فهم متن است.

دو. در یک متن باید خفاء و پوشیدگی باشد تا تفسیر آن معنا داشته باشد. لذا متن‌هایی که ابهام ندارد هیچ گاه تعبیر تفسیر در مورد آنها به کار نمی‌رود. از همین روست که معمولاً اشعار عرفانی، کتب عرفانی یا فلسفی و حکمی مورد شرح و تفسیر واقع می‌شوند.

سه. در بحث الفاظ اعم از کلمه‌ها و جملات و اعم از مواد و هیئات سه مقام وجود دارد؛ مقام وضع، مقام استعمال و مقام اراده. بنابر حجیت و اصالت ظهور بین این سه مقام ملازمه‌ای وجود ندارد. لذا ممکن است مستعمل فیه غیر موضوع له و مراد جدی غیر از هر دو باشد. مقصود و مراد متکلم از کلام دایر مدار داعی است. گاهی این داعی واحد است و گاهی متعدد. به حسب تعدد دواعی، ظهورات کلام نیز متعدد می‌شود و چه بسا ظهور کلام دقیقاً مخالف با موضوع له الفاظ باشد. دانستن معانی لغوی الفاظ قرآن تفسیر نیست، ولی می‌تواند مفسر را در فهم مراد و مقصود خداوند تبارک و تعالی یاری کند. قصد مترجم بیان مراد متکلم نیست بلکه برگرداندن یک لفظ است به لفظی معادل آن در زبانی دیگر.

چهار. قرآن دارای دو جنبه است؛ از یک طرف کلام غیبی است. از طرف دیگر به زبان محاوره‌ای و عرف عام آمده است. از یک جهت به غیب متصل است و از جهت دیگر به ظاهر و این مطلب در مورد تمام آیات قرآن حتی آیات الاحکام مطرح است. لذا در پس هر آیه وجه باطنی نیز مطرح است که یقیناً مخفی است. در این که تفسیر در کدام حیظه مطرح است اختلافاتی وجود دارد. آنچه مسلم است تفسیر در حیظه ظاهر الفاظ برای درک مراد خدای متعال راه دارد. و معنای مشهور از تفسیر نیز همین است.¹⁰ منتهی برخی از واژه تفسیر برای کشف معانی باطنی قرآن نیز استفاده کردند و تفسیر را به دو قسم تفسیر ظاهر قرآن و تفسیر باطن تقسیم کرده‌اند.¹¹ برخی تفسیر باطن را تاویل دانسته‌اند. راغب اصفهانی تاویل را نیز نوعی تفسیر می‌داند و این با معنای

- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق سعید مندوب، بیروت، دارالفکر، 1416ق. ج 1، 10 ص 435: «تفسیر کشف مدلول ظاهری و تاویل مدلول غیرظاهری و نامعهود است که دارای قرینه‌ای محکم است.» - معرفت، محمدهادی، روش تفسیر باطن قرآن، پژوهش‌نامه حدیث و قرآن، شماره 2، ص 11.55

لغوی تفسیر نیز سازگار است، زیرا در تاویل نیز نوعی پرده برداری و کشف غطاء است. در پایان این فصل به این موضوع برمی گردیم.

پس اصل در تفسیر، کشف مقاصد و مرادات خداوند تبارک و تعالی از ظاهر الفاظ است. مفسر باید به عنوان مقدمه‌ی تفسیر، حائز علومی از جمله علم به مفردات قرآن، علم به اصول و قواعد ادبیات اعم از صرف، نحو و معانی و بیان، علم به اصول محاوره عقلایی و شأن نزول آیات باشد. این امور هیچ یک جزء تفسیر نیستند. البته شناخت معنای الفاظی که در قرآن به عنوان اصطلاح خاص قرآنی مطرح است، جزء تفسیر قرآن محسوب می‌شود. لذا به نظر می‌رسد از بین تعاریف ارائه شده برای معنای اصطلاحی تفسیر، تعریف علامه طباطبایی بهترین باشد که می‌فرماید: «التفسیر هو بیان معانی الآيات القرآنية و الكشف عن مقاصدها و مداليلها»¹² تفسیر بیان معانی آیات قرآن و کشف از مقاصد و مدلولات کلام حق تعالی است. منظور از معانی آیات معانی است که مراد خداوند است و الا صرف دانستن معنای لغوی الفاظ قرآن مقدمه تفسیر است نه خود تفسیر.

15- 2- 9- 1. تاویل در لغت و اصطلاح

واژه تاویل از جمله واژه‌هایی است که در علوم مختلف که به نوعی مربوط به فهم نصوص است، مثل علوم قرآنی، حدیث، اصول، فقه، کلام و فلسفه و به خصوص عرفان کاربرد دارد و اشاره به نوع خاصی از برداشت از متن دارد. در قرآن نیز این واژه هفده مرتبه تکرار شده است. کاربرد زیاد آن در علوم موجب مباحثات و مناقشات فراوانی درباره معنای آن شده است. به جهت اهمیت بحث تاویل در دیدگاه عرفانی با تفصیل بیشتری از حیث لغت و اصطلاح قرآنی و عرفانی به این واژه می‌پردازیم.

- طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، 12 1417ق، ج 1، ص 4.

16- 1_2_9_1. واژه شناسی تاویل

غالب لغت شناسان تاویل را مأخوذ از «اول»، به معنای رجوع دانستند. ابن اثیر می گوید: «التاویل هو من آل یؤول إلی کذا ای رجع و صار إلیه»¹³

عمدتاً سه رویکرد در علم لغت وجود دارد. برخی از کتب لغت به معنای حقیقی لفظ اشاره کرده و سپس معنای مجازی آن را ذکر می کنند. رویکرد دیگر در علم لغت این است که کلیه استعمالات و معانی یک واژه را بدون تمایز بین معنای حقیقی و مجازی ذکر می کنند. رویکرد سوم که از فقه اللغه نیز بهره می برد این است که در صدد یافتن یک یا دو معنای جامع بین معانی آن کلمه هستند و سپس ارتباط و مناسبت بقیه معانی را با آن معنا روشن می سازند.

ابن فارس که از رویکرد سوم استفاده می کند برای ماده «اول» دو معنا ذکر می کند؛ وی می گوید: واژه اول دارای دو اصل است، ابتداء امر و انتهاء آن. از اصل اول واژه «الاول» اشتقاق یافته است اما واژه تاویل از اصل دوم به معنای انتهاء و عاقبت امر و آنچه شیء به آن رجوع می کند، اشتقاق یافته است.¹⁴

صاحب التحقیق نیز که از این مسلک پیروی می کند در ذیل ماده اول می گوید: «أن الاصل فی هذه المادة هو التقدّم بحیث یترتب علیه آخر، و التاویل جعل الشیء متقدّماً حتی یترتب علیه آخر و هو أعم من المادی و المعنوی»¹⁵. اصل در ماده اول تقدم است. تاویل یک امر، یعنی متقدم دانستن آن امر به گونه ای که امر دیگری مترتب بر آن امر بشود، این متقدم دانستن یا به نحو مادی است یا معنوی.

تاویل چه به معنای عاقبت و چه متقدم دانستن امری، هم در مورد کلام به کار می رود و هم در غیر کلام. تفاوت سخن ابن فارس با علامه مصطفوی در این است که ابن فارس برای تاویل، معنای وصفی ذکر کرده، ولی علامه برای تاویل، معنای مصدری ذکر کرده است.

- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث، قم، اسماعیلیان، 1367ش، ذیل ماده اول. ج 1، ص 81؛ 13

طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ذیل ماده اول. ج 1، ص 132

- ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، تصحیح هارون عبدالسلام محمد، قم، مکتبة الاعلام الاسلامی، 1404ق. ج 1، ص 14.158

- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، 1360ش، ج 1، ص 175.15

لغت شناسان دیگر که هدفشان جمع آوری معانی مختلف اعم از حقیقت و مجازی برای واژه‌هاست معانی متفاوتی برای «اول» ذکر کردند. بعضی آن را مترادف با تفسیر یا نوعی از تفسیر و بعضی آن را از سنخ واقعیت‌های خارجی دانسته‌اند. جوهری می‌گوید: «التاویل تفسیر ما یؤول إلیه الشیء... قال ابو عبیده تأویله ای تفسیره و مرجعه»¹⁶ ابن منظور نیز از قول متقدمین تعاریفی را نقل می‌کند: «ابوالعباس احمد بن یحیی: تفسیر، معنی و تاویل به یک معناست. ابومنصور: تاویل جمع کردن معانی الفاظی است که به لفظ واضح و روشنی بیان شدند. لیث: تاویل تفسیر کلامی است که دارای معانی مختلف است و تاویل تفسیری است که با غیر الفاظ آن کلام شکل گرفته است. ابو عبید: تاویل یعنی مرجع و بازگشت»¹⁷.

راغب اصفهانی نیز در معنای تاویل می‌گوید: «تاویل از اول به معنای رجوع به اصل است. موئل موضعی است، محل بازگشت است. تاویل یعنی بازگردانیدن شیء به غایتی که مراد از آن است»¹⁸.

در مجمع البحرین نیز آمده: «تاویل یعنی بازگردانیدن و روی گردان شدن از معنای ظاهری کلام به معنایی که اخفی از آن معنای ظاهری است»¹⁹.

برخی این معانی را در سه دسته تقسیم کرده‌اند: الف. بازگرداندن چیزی به هدف آن و یا سخنی به مقصود و مراد از آن؛ ب. تفسیر و بیان مقصود و مراد پنهان از یک شیء یا سخن؛ ج. حقیقت یا معنایی که شیء یا کلام به آن باز می‌گردد. ایشان بعد از ذکر این معانی، معنای اول را معنای حقیقی و دو معنای دیگر را به گونه‌ای به معنای اول برمی‌گرداند.²⁰ در این سه معنا، تاویل هم در مورد کلام به کار رفته و هم در مورد غیر کلام و معنای حقیقی دانستن معنای اول فی الواقع پذیرش دیدگاه راغب اصفهانی است.

- جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح فی اللغة، تصحیح احمد عبدالغفور العطار، بیروت، دارالعلم للملایین، 1407ق. ج 4، ص 1627.

- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث، 1408ق. ج 11، ص 17.33

- راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، المفردات فی غریب القرآن، ذیل ماده اول. 18.

- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ج 5، ص 312.

- رجبی محمود، روش شناسی تفسیر قرآن. ص 25-27. 20

البته به این نکته باید توجه کرد که برخی از معانی فوق، به خصوص معانی که واژه تاویل را در مقابل واژه تفسیر دانسته، مثل تعریف مجمع البحرین، معانی مستحدثت هستند که در لسان فقها، اصولیین اهل سنت و متکلمان مطرح شده است.

ابن تیمیه از علماء اهل سنت بعد از ذکر نکته فوق معنای خاص خود را از تاویل با شواهدی از کلمات ائمه سلف تأیید می‌کند. در این جا خلاصه‌ای از کلام وی را نقل می‌کنیم:²¹

وی می‌گوید تاویل دارای سه معناست. اولین معنا که اصطلاح اکثر علماء فقه و اصول فقه است این است که تاویل یعنی روی‌گردانی لفظ از احتمال راجح به احتمال مرجوح به خاطر دلیلی که در این بین وجود دارد. متأخرینی که در مورد تاویل احادیث و آیات در مورد صفات خداوند بحث کرده‌اند و کسانی که قائل به ترک تاویل شدند این معنا را مد نظر دارند.

دومین معنا این است که تاویل یعنی تفسیر. این معنا نزد مفسران قرآن از جمله ابن جریر و امثال وی مورد استفاده قرار گرفته است. پس مراد ایشان از تاویل متشابه یعنی شناخت و معرفت به تفسیر آن.

معنای سوم از تاویل از سنخ مفاهیم نیست، بلکه از سنخ واقعیت‌های خارجی است. تاویل آن چه در قرآن آمده از اخبار معاد، حقیقت خارجی همان اموری است که خداوند از آنها خبر داده است تاویل اخبار معاد، بهشت، دوزخ، حساب و جزاست. یا وقتی در قصه حضرت یوسف 7 فرمود «یا أبت هذا تاویل رؤیای من قبل»²² عین آن چیزی که در خارج اتفاق افتاد، تاویل رؤیای وی بود.

به عبارت دیگر تاویل در معنای دوم به معنای تفسیر کلام است. تاویل، کلامی است که لفظ به واسطه آن تفسیر شده تا معنا، علت یا دلیل آن آشکار شود. اما تاویل در معنای سوم، عین آن چیزی است که در خارج موجود می‌شود. وی از قول سفیان بن عینه نقل می‌کند که تاویل اوامر الهی همان فعلی است که خداوند به آن

- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموعه الفتاوی، گرد آورنده انور الباز، ریاض، مکتبة العبيکان، 1998م. ج 1، ص 21.

- سوره یوسف، 22.100

امر کرده است. تاویل جملات اخباری نیز همان موجودی است که از آن خبر داده شده است. با این وصف فقها نسبت به دیگران آگاهی بیشتری به علم تاویل دارند.

با توجه به معنای سوم معنای آیه شریفه «ما يعلم تأویله إلا الله»²³ روشن می‌شود. خداوند از غیبی که مختص به خودش است ما را آگاه ساخته است، برای مثال به ما از بهشت و دوزخ خبر داده است. ما معنای آن خطابات را می‌فهمیم و آنها را تفسیر می‌کنیم اما حقیقت آن هنوز برای ما آشکار نشده علم به تاویل مسائل قیامت و بهشت و دوزخ نداریم. و تاویل این امور را کسی جز خداوند نمی‌داند.

ابن تیمیه این مسأله را در مورد صفات باری تعالی نیز مطرح کرده و می‌گوید تاویل آنچه خداوند از نفس مقدس خودش که متصف به حقایق اسماء و صفات است خبر داده، همان حقیقت مقدس متصف به اسماء و صفات است. زمانی که از مالک سوال شد که «الرحمن علی العرش استوی»²⁴ به چه معناست؟ گفت. استواء معلوم است ولی کیفیت استواء مجهول است. ایمان به استوای حق بر عرش واجب و سوال کردن از آن بدعت است. ربیع در پاسخ سوال فوق گفت: استواء معلوم است؛ کیفیت آن مجهول است. بر خداوند بود که بیان کند، و بر رسولش واجب بود که ابلاغ کند و بر ما واجب است که ایمان بیاوریم. و لذا ائمه اهل سنت علم بندگان به کیفیت صفات خداوند را نفی کردند. بدین سبب پیامبر اکرم⁹ نیز فرمودند: خداوند تو همان گونه‌ای که خود، خود را ثناء کرده‌ای.²⁵

ابن تیمیه با این کار، هدفش این است که به بسیاری از نزاع‌ها و مجادله‌ها که ناشی از عدم تمایز بین معانی تاویل بود پایان دهد و در پایان تاویل را به معنای وجود حقیقی و عینیت خارجی شیء‌ای دانسته که مورد تاویل قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد توجه به کلمات خلیل که صاحب قدیمی‌ترین کتب لغت است، معنای دقیق‌تری از «اول و تاویل» به دست می‌دهد. وی می‌گوید: «آل یؤول، إذا رجع. تقول طبخت النبیذ و الدواء فال إلی قدر کذا و کذا، أي

- سوره آل عمران، 23.7

- سوره طه، 24.5

- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، همان. ج 1، ص 25.217

الثالث أو الربع، أي رجع²⁶. مثالی که ذکر می‌کند این است که وقتی کسی دارو یا نبیذ را پخته تا به یک سوم یا یک چهارم برسد می‌گوید: «آل إلی قدر کذا و کذا». معنای عبارت فوق این است که خلیل «رجع و رجوع» را به معنای رسیدن و شدن و گشتن و به فعلیت و کمال رسیدن دانسته است. با تجرید و برهنه سازی این واژه از مواد و موارد یاد شده یعنی نبیذ و دارو باید بگوییم تاویل مرحله پختگی و رسیدگی و کمال یک چیز است.²⁷

در برخی از کتب لغت نیز مرجع و مصیر به عنوان مترادف در معنای واژه تاویل ذکر شده است. مصیر یا صیوروت یعنی متحول شدن از حالی به حال دیگر و با توجه به مثال نبیذ و دارو حالت دوم حالت کمالی و فعلیت یافته حالت قبلی است و از نوعی شرافت و پختگی برخوردار است.

فعلیت دوم از یک جهت عاقبت و فرجام فعلیت اولیه است. در برخی از کتب لغت تاویل را به معنای عاقبت و نهایت امر معنا کرده‌اند. از طرف دیگر فعلیت دوم در درون فعلیت نخستین به صورت بالقوه وجود دارد پس باطن او نیز محسوب می‌شود و از جهت سوم، فعلیت دوم همانطور که غایت فعلیت نخستین است علت غایی او نیز هست، پس به اعتباری ابتداء امر و به اعتباری دیگر انتهاء و عاقبت و غایت آن امر است.²⁸ با این وجود، دو اصلی که ابن فارس برای ماده «اول» قائل بود، به یک معنا رجوع می‌کند و تقدم و ترتیبی که علامه مصطفوی ذکر کرده بود نیز جایگاهش مشخص می‌شود.

17- 2- 2- 9- 1. تاویل در قرآن و حدیث

واژه تاویل در قرآن در هفده مورد ذکر شده است که پنج بار در مورد قرآن و دوازده بار درباره غیر قرآن آمده است. در پنج موردی که در مورد قرآن آمده است به یکی از معانی زیر است:

یک. معنای حقیقی و منظور واقعی آیات متشابه؛

دو. معنا و معارف باطنی آیات کریمه اعم از آیات متشابه و محکم؛

- خلیل بن احمد، العین، تحقیق مهدی مخزومی، قم، موسسه دارالهجره، 1409ق. ج 8، ص 26.359

- راستگو، محمد، نگاهی نو به تاویل، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال 12، ش 45-46.27

همان.28

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

سه. مصداق خارجی و تجسم عینی وعد و وعیدهای قرآن کریم درباره آخرت؛

چهار. مصادیق برخی آیات کریمه که از دید عرف و افراد عادی پنهان است.²⁹

و در مواردی که تاویل در غیر موارد قرآن به کار رفته نیز یکی از چهار معنای زیر مد نظر مفسران و محققان علوم قرآنی است:

یک. تعبیر خواب و حقیقتی که خواب از آن حکایت دارد؛

دو. حکمت و اسراری که در کارهای حضرت خضر 7 نهفته بود؛

سه. حقیقت و سرانجام غذای دونفر همبند حضرت یوسف و چگونگی و ویژگی های آن؛

چهار. نتیجه کارهای اختیاری انسان و عاقبت و فرجام کاری.³⁰

آنچه در این جا باید به آن توجه کرد این است که نسبت این معانی با یکدیگر اشتراک لفظی نیست بلکه اشتراک معنوی است. در بحث واژه شناسی، تاویل شیء را مرحله پختگی و کمال و فعلیت آن شیء دانستیم و نسبت این معنا را با دیگر معانی که اهل لغت بیان کردند تذکر دادیم. جمیع معانی فوق به نوعی مصداقی از این معنای عام هستند.

نکته دیگر در بحث تاویل در آیات قرآنی این است که در برخی موارد تاویل از سنخ مفاهیم است و در برخی دیگر از سنخ حقایق خارجی. طبیعی است تاویل رویا و افعال از سنخ مفهوم نخواهد بود و تاویل آیات متشابه یقیناً از سنخ مفاهیم است. این تفاوت به لحاظ خصوصیات مصادیق است و ربطی به حقیقت تاویل ندارد.³¹

- رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، 1383ش. ص 2915

- همان. 30

- همان. 31

عنوان تاویل در روایات نیز به کرات به کار رفته است. در برخی از روایات تاویل در مقابل تنزیل یا تفسیر به کار رفته است و در مواردی به صورت مستقل آمده است. مواردی که به صورت مستقل ذکر شده است به یکی از این معانی است: مقصود و مراد متکلم؛ مفهوم و مدلول کلام؛ مصادیق الفاظ (جری و تطبیق) و لوازم کلام³². در بحث از انواع تاویل در بخش سوم روایاتی که در باب تاویل است، ذکر خواهد شد.

18- 3-2-9-1. تاویل در اصطلاح اهل معرفت

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد واژه تاویل در اکثر علوم دینی کاربرد دارد. بیشترین کاربرد آن در علوم قرآنی و مباحث تفسیری و فهم نصوص و متون دینی است. همان‌طور که گذشت متکلمین و فقها معنای خاصی از تاویل در نظر دارند که در کتب لغت متأخر همان معنا به عنوان معنای لغوی مطرح شده است و حاصل آن اصطلاح این است که تاویل، برداشت و تفسیری است که مخالف با ظاهر کلام است ولی به واسطه دلایلی که مانع از پذیرش ظاهر کلام است، متأول ناچار است که معنای مرجوح را بپذیرد.

ابن تیمیه در رد دیدگاه فوق می‌گوید، رجوع از معنای ظاهر بدین معناست که ظاهر قرآن و حدیث، کفر و باطل است در حالی که خداوند اعلم و احکم از این است که از ظاهر کلامش کفر و ضلالت آشکار باشد.³³ بعد از نقد این دیدگاه می‌گوید مراد از تاویل حقیقت خارجی و اثر محسوس مدلول کلام است.

علامه طباطبایی از بین نظرات مفسران علوم قرآنی به چهار نظریه در باب تاویل اشاره می‌کند که عبارتند از: یک. تاویل یعنی تفسیر و مراد متکلم از کلام؛ این معنا تنها در مورد تاویل آیات متشابه به کار می‌رود و منظور این است که هیچ کس معنای آیات متشابه را نمی‌داند مگر خداوند و راسخان در علم.

دو. مراد از تاویل معنای مخالف با ظاهر لفظ است.

- شاکر، محمدکاظم، روش‌های تاویل قرآن؛ قم، بوستان کتاب، چاپ دوم، 1381، ص 72-76.

- ابن تیمیه، مجموعه الفتاوی، ج 1، ص 215.

سه. مراد از تاویل یکی از معانی آیه است. بدین صورت که یک آیه دارای چندین معنا به صورت طولی بوده و هیچ یک از این معانی نیز مخالف با ظاهر آیه نیستند. به آن معنای باطنی تاویل آیه گویند. چهار. دیدگاه دیگر این است که تاویل از سنخ مفاهیم و مدالیل لفظی نیست، بلکه امری عینی است که کلام بر آن اعتماد دارد.

علامه دیدگاه چهارم را با اضافه کردن قیودی می‌پذیرد. بدین صورت که تاویل از سنخ مفاهیم نیست و امری عینی است ولی این امر عینی، امری محسوس نیست بلکه حقیقت آن شیء است که به اقتضاء «و إن من شیء إلا عندنا خزائنه و ما ننزله إلا بقدر معلوم»³⁴ در خزانه الهی قرار دارد. تاویل قرآن عبارتست از حقایق خارجی که آیات قرآن در معارف، شرایع و سایر بیاناتش بدان مستند است. حقیقت دیگری ماورای قرآن وجود دارد که نسبتش با این قرآن نسبت روح به جسد و ممثل به مثل است و خداوند آن را کتاب حکیم و ام الکتاب نامیده است.³⁵

آنچه از کلمات اهل عرفان در خصوص واژه تاویل استظهار و بلکه تصریح کلمات برخی از ایشان است این است که مراد از تاویل معنای جامعی بین معنای سوم و دیدگاه علامه است. به عبارت دیگر بین معنای سوم و دیدگاه علامه رابطه تلازمی وجود دارد. اگر یک آیه دارای بطون و معانی طولی متفاوتی است به خاطر این است که خود قرآن دارای تجلیات متفاوت است. حقیقت قرآن از سنخ این کلمات و الفاظ نیست بلکه حقیقتی عینی است که به صورت ما بین الدفتین و در قالب الفاظ و معانی تجلی یافته است. معانی باطنی آیات نیز اشاره به همان حقایق باطنی دارد.³⁶

- سوره الحجر، 21، 34.

- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 3، صص 44-54، 35.

- دیدگاه علامه طباطبایی در ذیل آیه 7 آل عمران و توضیح واژه تاویل این است که تاویل در اصطلاح قرآنی بر تاویل هستی‌شناسانه قابل تطبیق است. ولی در ادامه برای آیات معانی طولی مترتب را می‌پذیرند. ایشان اشاره به سه امر دارند. لفظ و معنا و حقیقت که مرتبط به هم هستند. از لفظ به معنا می‌رسیم و با زدودن زوائد معنا، پی به تاویل یعنی حقیقت خارجی آن می‌بریم. این معانی از باب مثل و ممثل هستند. لذا علامه تاویل را از سنخ معنا نمی‌داند، ولی معانی طولی را می‌پذیرد و ارتباط این معانی با حقایق خارجی را حفظ می‌کند. اما اهل عرفان تاویل را اعم از معانی طولی و حقایق خارجی می‌دانند. علامه معانی طولی را می‌پذیرند، ولی از این معانی طولی تعبیر به تاویل نکردند. (رک: المیزان، ج 3، ص 63).

به طور کلی دیدگاه‌ها در فهم نصوص را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد. گروهی که فقط توجه به ظاهر الفاظ دارند و اصلاً قائل به بطون و پشت پرده‌هایی برای الفاظ نیستند. گروه دیگری که ظاهر را کاملاً کنار گذاشته، هیچ نوع اعتباری برای معانی ظاهری قائل نیستند، بلکه تمام توجه‌شان به معانی باطنی است که نمونه آن را می‌توان در میان اسماعیلیه یافت. در این میان اهل عرفان هم ظاهر را حجت می‌دانند و از آن استفاده می‌کنند و هم معانی باطنی آیات را قابل وصول و دست یابی می‌دانند و مهم‌تر این که ظاهر را، یکی از راه‌های رسیدن به آن معانی و حقایق باطنی می‌دانند.

اما شاهد بر این که مراد اهل معرفت از تأویل، معانی و حقایق باطنی است، این است که اهل عرفان تاویل را با حدیث معروف «إن للقرآن ظهراً و بطناً» که منقول از پیامبر اکرم 9 است، مرتبط ساخته‌اند. این ارتباط حاکی از این است که مرادشان از تاویل معنایی است که در پس ظاهر است.

ابوطالب مکی در تفسیر حدیث نبوی 9 می‌گوید: «فَنَقُولُ فَظْهَرَهُ لِأَهْلِ الْعَرَبِيَّةِ وَ بَاطِنَهُ لِأَهْلِ الْيَقِينِ وَ حُدَّهُ لِأَهْلِ الظَّاهِرِ وَ وَ مَطْلَعَهُ لِأَهْلِ الْأَشْرَافِ وَ هُمُ الْعَارِفُونَ الْمُحِبُّونَ وَ الْخَائِفُونَ»³⁷. ظاهر قرآن برای کسانی است که آشنایی با لغات عربی دارند و باطن قرآن برای اهل یقین است. حد قرآن برای اهل ظاهر و مطلع قرآن برای عارفان محب و خائف است.

روزبهان بقلی می‌گوید: «منهجی دیگر علم احوال و مقامات و مکاشفات. و آن در خصوص علم شریعت مذکور است. میان کتاب و سنت بیانست نزد آن کس که فهم حقایق دارد و او را در کشف حقیقت نفاذ بصیرت و عقل و جانست. این علوم در کتاب و سنت پیداست لکن به نحو اشارت است و جز صدیقان ندانند، زیرا که باطن قرآن است و اهل ظاهر از آن جز ایمان ندارند؛ زیرا که حقیقت حق درو درج اسرار است تا پنداری که این چه گفتم سنت نیست. مصطفی گفت 9 قرآن را باطن و ظاهر است و هر حرفی را حدی و مطلعی به هفت

- مکی، ابوطالب، قوت القلوب، بیروت، دارالکفر، چاپ اول، 1417ق. ج 1، ص 37.95

حرف فرستاده‌اند. همه حرف‌های شافی و کافی است یعنی حروف مختلف حقیقت باطن قرآن است و در هر حرفی صد هزار دریای علوم غیب پنهانست و جز انبیاء و رسل و اکابر امت ندانند.³⁸

عبدالرزاق کاشانی در تفسیرش بعد از ذکر حدیث «ما نزل من القرآن إلا و لها ظهر و بطن و لكل حرف حد و لكل حدّ مطلع»³⁹ می‌گوید: «فهمت منه أن الظهر هو التفسير و البطن هو التاویل و الحد ما يتناهي اليه الفهم من معني الكلام و المطلع ما يصعد اليه منه فيطلع على شهود الملك العلام»⁴⁰. فهمیدم که مراد از ظهر تفسیر است و مراد از بطن تاویل و حد عبارتست از نهایت چیزی که از معنای کلام می‌توان فهمید و مطلع عبارتست از رسیدن انسان به مقامی که حق را با اسم متکلم شهود کند و در آن از اسرار اطلاع پیدا کند.

کاشانی بعد از ذکر این نکته می‌گوید: «تفسیر دارای حد محدودی است و کسی که پا از این حد فراتر گذارد مصداق «من فسر برأيه فقد كفر» خواهد شد، ولی تاویل حد محدودی ندارد چون به حسب احوال مستمع و اوقات او در مسیر سیر و سلوک و به حسب تفاوت درجات سالکین است. هر مقدار که سالک ترقی کند حقایق جدیدی از قرآن بر او آشکار می‌شود.»⁴¹

وی در شرح فصوصش می‌گوید: «از ظهر تا مطلع قرآن مراتب غیر محصور و وجود دارد، لکن اولین معنا معنایی است که از آن لفظ به حسب وضع لغت فهمیده می‌شود و سپس معانی دیگر، زیرا خداوند با جمیع معانی همه افراد را از مقام اقدم تا آخرین مراتب ناس مورد خطاب قرار داده است. حق در هر مرتبه‌ای از مراتب مردم زبان و لسانی دارد و علت نزول قرآن در هفت بطن نیز بدین خاطر است.»⁴²

قیصری نیز به تبع استادش همین بیان را در شرح فصوص دارد. وی می‌گوید: «امام جعفر صادق 7 فرموده خداوند تبارک و تعالی برای بندگان در قالب کلام تجلی کرده است و این تجلی مختص به قرآن کریم نیست و

- روزبهان بقلی، شرح شطحیات، تصحیح هانری کرین، تهران، انتشارات طهوری، 1381ش. ص 38.54

- کاشانی، عبدالرزاق، تاویلات القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1422ق. ج 1، ص 39.6

- همان. 40

- همان. 41

- همان، شرح فصوص الحکم، تصحیح مجید هادی زاده، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، 1383ش. ص 42-144

.145

پیامبر اکرم⁹ بر این امر تنبه دادند که قرآن دارای ظهر و بطن و حد و مطلع است. حق تعالی بر بندگانش به قدر استعدادشان در قالب و صورت متکلم ظهور می کند»⁴³

ابن ترکه نیز در شرح فصوص بر ارتباط بحث تاویل و حدیث بطن تأکید دارد. وی می گوید: نکته مهم که شخص متدبر در قرآن کریم و کسی که در صدد یافتن وجوه معانی و تأویلات قرآن است باید به آن توجه کند، این است که هر معنایی که تمنعی با ظاهر نداشته باشد و آنچه را که به حسب اصل لغت عربی توسط عرف عام فهمیده می شود نفی نکند، بلکه شامل آن معنا و غیر آن از بطون کتاب بشود، بر طبق حدیث شریف نبوی که فرموده قرآن دارای ظاهر و باطن و حد و مطلع است، این معنا نزد اهل تحقیق معتبر و قابل استناد است.⁴⁴

جناب قونوی نیز بعد از ذکر معنایی برای آیه 93 مائده می گوید: البته این منافاتی ندارد که آیه بر امور دیگر نیز دلالت کند چون که پیامبر اکرم⁹ علیه فرمودند که قرآن دارای ظهر و بطن و حد و مطلع است. و در روایتی دیگر آمده که دارای هفت بطن است.⁴⁵

با توجه به عبارات فوق که در برخی تصریح بر ارتباط واژه تاویل با کلمه بطن بود و در بعضی دیگر به صورت اشاره ای بود روش می شود که منظور عارف از تاویل ارجاع کلام از ظاهر به باطن آن و فهم باطن کلام است. در حقیقت تاویل به عمق رسیدن، ژرف کاوی و سیر در عمق و فهم درون مایه کلام است.

- قیصری، داود بن محمود، شرح فصوص الحکم، تحقیق حسن حسن زاده آملی، قم، بوستان کتاب، 1382ش. ج 1، 43 ص 412.

- ترکه اصفهانی، علی بن محمد، شرح فصوص الحکم، تحقیق محسن بیدارفر، قم، انتشارات بیدار، 1378ش. ج 2، 44 ص 727.

- صدرالدین قونوی، محمد بن اسحاق، الفکوک، تصحیح محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی، چاپ اول، 45 ش. 1371. ص 301.

سید حیدر آملی نیز در تفسیرش با استناد به روایتی که اشاره شد می‌گوید: «این اخبار دلالت می‌کند بر این که قرآن ظهوری دارد که واجب است تفسیر شود و باطنی دارد که واجب است تاویل شود و این تأویلات هفت مرتبه دارند.»⁴⁶

البته تاویل در کلمات اهل معرفت صرفاً منطبق بر معانی طولی آیات نیست، بلکه شامل معانی عرضی و همچنین جری و تطبیق و ... می‌شود که در فصول آینده به آن‌ها پرداخته می‌شود.

نکته مهم در خصوص معنای اصطلاحی تاویل از دیدگاه اهل معرفت این است که معنای تاویلی در هر صورتی که بیان شود غایتش فهم مراد خداوند است، منتهی نه مراد ظاهری بلکه مراد باطنی خداوند مدّ نظر است. به عبارت دیگر اگر قرآن کریم ظاهر و بواطنی دارد، اولاً همه معانی ظاهری و باطنی مراد خداوند هستند و ثانیاً بر معانی باطنی قرآن اطلاق تاویل می‌شود. تاویل و روش تاویلی، روش فهم مرادهای باطنی خداوند است که در پس ظاهر کلام او مخفی شده است.

عارفان معمولاً با توجه به این که خودشان را مخاطب خاص قرآن می‌دانند، به دنبال کشف معانی خاص و غیر معلوم برای همگان هستند. در این مسیر گاهی از معانی باطنی و گاهی از معانی عرضی و گاهی به دنبال تطبیق آیات بر مصادیق مشخص یا غیر مشخص آیات هستند و بر همه این‌ها می‌توان اطلاق تاویل کرد و غایت هر سه فهم مراد و مقصود متکلم یعنی حق تبارک و تعالی است.

در این که حقیقت تاویل چیست و رابطه آن با تجربه عرفانی و فهم آیات قرآن چگونه است، در ذیل مکتب تفسیری اهل عرفان توضیح داده خواهد شد.

19- 3_9_1. رابطه تاویل با تفسیر

در بحث واژه شناسی تفسیر گفته شد تفسیر مبالغه فسر و به معنای کشف و پرده‌برداری از مطالب علمی و حقایق معنوی و معقول است که به نوعی در پوشش ابهام قرار گرفته‌اند. ترجمه یک عبارت تفسیر آن تلقی

- آملی، حیدر بن علی، تفسیر المحيط الاعظم و البحر الخضم، تحقیق سید محسن موسوی تبریزی، تهران، وزارت 46 ارشاد، چاپ سوم، 1411ق. ج 1، ص 302.

نخواهد شد، لذا تفسیر به معنای به خوبی آشکار کردن مطالب علمی و معنوی و غیر محسوس است. در معنای اصطلاحی هم روشن شد تفسیر؛ چه تفسیر قرآن باشد و چه تفسیر حدیث، بیان معانی آیات قرآن و احادیث و کشف از مقاصد و مدلولات کلام حق تعالی است. منظور از معانی آیات معنایی است که مراد خداوند است و الاً صرف دانستن معنای لغوی الفاظ قرآن مقدمه تفسیر است نه خود تفسیر.

نسبت به معنای تاویل نیز معنای لغوی و اصطلاحی و اصطلاح خاص اهل عرفان مطرح شد که با توجه به هریک از آن معنای نسبتش با تفسیر متفاوت خواهد بود.

الف. معنایی مترادف با تفسیر. یعنی آشکار سازی معانی و مفاهیم از راه بیان نکته‌های ادبی و بلاغی. این معنا غالباً در قرون اولیه در فرهنگ اسلامی وجود دارد. طبری در قرن سوم براساس همین معنا نام کتاب تفسیری خود را «جامع البیان عن تاویل آی القرآن» قرار داده و به کرات به جای «تفسیر این آیه» از «تاویل هذه الایة» استفاده کرده است. کتب تفسیری دیگری نیز وجود دارد که به همین سبک عمل کرده‌اند، مثل «تاویلات القرآن» از ماتریدی، «تاویل مشکل القرآن» از ابن قتیبه؛ «حقایق التاویل فی متشابه التنزیل» از سید شریف رضی.

ب. اخص از تفسیر. راغب اصفهانی در مفردات پذیرفته که معنای تاویل اخص از تفسیر است. وی علاوه بر این تفاوت، بیان می‌کند که موارد استعمال این دو متفاوت است. «تفسیر اعم از تاویل است و اغلب موارد استعمال تفسیر در الفاظ است و موارد استعمال تاویل در معانی، تفسیر غالباً در مفردات الفاظ به کار می‌رود و تاویل در جمله‌ها»⁴⁷

ج. معنای مباین با تفسیر. در نزد متکلمین تفسیر در مقابل تاویل قرار می‌گیرد، در عین حال تاویل در حیطة الفاظ است. تعریف طریحی در مجمع البحرین، و ابن اثیر در نهاییه و آنچه مد نظر متکلمین معتزلی بود در ضمن این قسم قرار می‌گیرند.

د. تباین کلی بین تفسیر و تاویل. با پذیرش دیدگاه علامه طباطبایی و ابن تیمیه در خصوص تاویل، تاویل از سنخ مفاهیم نخواهد بود بلکه از سنخ حقایق خارجی است. همان طور که اشاره شد ابن تیمیه تاویل یک شیء

47. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین، المفردات، ص 636.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

را حقیقت خارجی و عینیت وجودی آن در خارج دانست. لذا تفسیر در حیظه معانی و الفاظ است، ولی تاویل در حیظه حقایق خارجی.

بین دو معنای اصطلاحی در مورد تفسیر و تاویل که مورد پذیرش واقع شد نیز جهات اشتراک و اختلافی وجود دارد.

اشتراک تفسیر با تاویل اهل معرفت این است که هر دو در صدد فهم مراد خداوند تبارک و تعالی هستند. فی الواقع تاویل نیز از نگاه عارف حقیقتاً تفسیر است، منتهی چون مخاطب کلام خداوند همه انسان‌ها هستند و انسان‌ها از لحاظ رشد معنوی در یک حد نیستند، برخی از مطالب در پس پرده مطرح شده تا مخاطبش نیز قشر خاصی باشد.

از دیدگاه عارفان تاویل مکمل تفسیر ظاهری و مهیمن بر آن است. نسبت معنای باطنی به ظاهری همانند نسبت عوالم مافوق به عوالم مادون است و همانند نسبت باطن شریعت یعنی «حقیقت»، نسبت به ظاهر دین یعنی «شریعت» است. معنای باطن روحی است که در ظاهر متن دمیده و حاکم بر آن است. کسی که به عمق حقایق شریعت راه یابد، ظواهر قرآن را نیز به هم پیوسته و منسجم می‌بیند. تاویل راه رسیدن به باطن و حقیقت دین از راه ظاهر دین یعنی شریعت است. اهل معرفت تناقضی بین معنای ظاهری قرآن و معانی باطنی نمی‌بینند، بلکه معنای ظاهری را تجلی همان حقایق باطنی در ساحت الفاظ می‌دانند، لذا بین معنای ظاهری و باطنی از جهتی عینیت وجود دارد. هر کدام از این دو بیان مراد حق تعالی در ساحتی خاص است.

سرّ عدم تناقض بین تفسیر و تاویل این است که تفسیر عبارت از شرح مراد متکلم است و اگر کسی در صدد روشن کردن مراد متکلم باشد، او در اصل به تفسیر پرداخته است. تاویل عارفان هم نوعی تفسیر است چون آنان در فرآیند تاویل به عمق کلام صاحب شریعت دست می‌یابند و اسرار نهفته در آن را بازگو می‌کنند و آنچه را که مقصود خداست به زبان می‌آورند. درستی این سخن زمانی روشن‌تر می‌شود که وجود دو سطح معنایی برای الفاظ قرآن را پذیرا باشیم و قبول کنیم که هر دو سطح مراد متکلم بوده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام می باشد

بدین جهت است که جناب قونوی کتابی که مملو از تأویلات اوست، «اعجاز البیان فی تفسیر الفاتحة» نام گذاری کرده است. البته در بعضی از نسخ نام کتاب او «اعجاز البیان فی تاویل أم القرآن یا فی تاویل الفاتحة» ذکر شده است. ولی خودش در کتاب فکوک از این کتاب به «تفسیر الفاتحة» نام برده است⁴⁸.

با این حال اگر مراد از تفسیر، فهم ظاهر کلام حق تعالی باشد، بایستی آن را در مقابل فهم باطن حق قرار داد. لیکن در واقع دو نوع تفسیر وجود دارد؛ تفسیر ظاهر و تفسیر باطن که می توان از تفسیر باطن به تاویل نام برد. البته تاویل محدود به تفسیر باطن نیست، بلکه شامل موارد جری و تطبیق و معانی عرضی هم می شود. به عبارت دیگر تاویل گاهی از سنخ مفهوم است مثل معانی باطنی و معانی عرضی و گاهی از سنخ تطبیق معنا بر مصادیق گوناگون و گاه به ظاهر بسیار متفاوت است، مثل موارد جری و تطبیق.

20- 4-9-1. چستی روش تفسیری

از آن جایی که عنوان رساله «روش تفسیری عارف محقق صدرالدین قونوی» است، به جاست که واژه «روش تفسیری» نیز روشن شود.

روش در مقابل واژه لاتینی «متد» و به معنای طریق، راه، روش، طرز، منهج و اسلوب است. به طور کلی «راه انجام دادن هر کاری» را روش آن کار گویند. روش تدریس یعنی راه منظم و منطقی ارائه سرفصل های تعریف شده آن درس.

پس مقصود از روش عبارتست از وسایل و ابزاری که وصول به غایت و نتیجه را آسان و هموار می کند. هر علمی روش خاصی برای اثبات مطالب خود دارد؛ فلسفه عمدتاً از روش استدلال و برهان استفاده می کند و علمی مثل علم تاریخ و شناخت حدیث از روش نقلی بهره می برند. فهم مباحث عرفانی و ذوقی نیز مبتنی بر روش کشف و شهود است.

48.188 - صدرالدین قونوی، محمد بن اسحاق، الفکوک، ص

«روش تفسیری» از مبادی اولیه هر نوع پژوهش تفسیری است. بین روش تفسیری با مذاهب و مکاتب تفسیری تفاوت وجود دارد. مکاتب تفسیری زائیده گرایش‌های علمی مفسران است. به عبارت دیگر مکاتب تفسیری متأثر از باورهای علمی، کلامی، فلسفی و در یک کلام متأثر از عقاید مورد قبول وی است، ولی روش تفسیری مبتنی بر عقاید دینی مورد قبول وی نیست.

«روش تفسیری کلام حق تعالی» یعنی روش استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر قرآن، که معنا و مقصود کلام الهی را روشن کند. به عبارت دیگر چگونگی کشف و استخراج معانی و مرادات خداوند از آیات قرآن را روش تفسیر قرآن گویند. به همین ترتیب، روش فهم و استخراج معانی از احادیث صادره از پیامبر اکرم و اولیای دین علیهم‌السلام نیز روش تفسیری احادیث گفته می‌شود. برای مثال روش تفسیری مأثور مشخص می‌سازد که معتقدان به این روش، براساس آن چه در روایات و احادیث ذکر شده در صدد فهم مراد آیات الهی هستند. یک مفسر ممکن است از چندین روش برای فهم مراد خداوند استفاده کند. در فصل اول از بخش دوم تفاوت بین روش و مکتب مبسوط‌تر بیان خواهد شد.

بحث روش‌شناسی سابقه چندانی ندارد و در سده اخیر این موضوع مورد توجه علاقمندان به پژوهش‌های قرآنی قرار گرفته است. اولین کتابی که به صورت مفصل و مبسوط به این موضوع پرداخته، کتاب «مذاهب التفسیر الاسلامی» اثر گلدزیهر است و بعد از وی کتاب‌ها و مقالات متفاوتی در مورد روش‌ها به طور کلی یا روش خاص یک مفسر نوشته شده است. در خصوص روش اهل معرفت تألیفاتی به صورت مستقل یا در ذیل بیان روش‌های تفسیری وجود دارد. ولی متأسفانه در خصوص عارف سترگ شیخ المشایخ جناب قونوی به ندرت مطالبی نوشته شده است.

تفسیر در عنوان رساله و در اکثر مواردی که در این رساله به کار رفته، اعم از تفسیر ظاهری و تاویل است. در این رساله در صدد یافتن روش و اسلوبی هستیم که محقق عارف جناب قونوی در فهم آیات سوره حمد و احادیث نبوی 9 به کار گرفته است، اعم از این که در حیطه تفسیر ظاهری قرار گیرد یا در حیطه تاویل با اقسامش.

21- 10-1 . زندگی نامه ، اهمیت و جایگاه قونوی**22- 10-1 . زندگی نامه**

ابن ملقن در شرح حال قونوی می نویسد: «محمد بن اسحق بن محمد قونوی صوفی مصاحب ابن عربی صاحب "فتوحات مکیه" بود. او دارای کتابی به نام "تفسیر الفاتحه" است. نزدیک شصت سال عمر کرد و در سال 672 هجری در قونیه در گذشت و وصیت کرد به اینکه تابوتش را انتقال دهند و نزد استادش ابن عربی دفن کنند.»⁴⁹

عبد الرحمن جامی نیز گوید: «کُنیت وی ابوالمعالی است، جامع بوده است میان جمیع علوم چه ظاهری و چه باطنی و چه نقلی و چه عقلی. میان وی و خواجه نصیر الدین طوسی اسئله و اجوبه واقع است. مولانا قطب الدین علامه شیرازی در حدیث، شاگرد وی است.»⁵⁰

«پدر وی مجدالدین در درگاه سلجوقیان آناطولی عالمی معتبر و عالی مقام بود. در کودکی پدر خود را از دست داد. در کتابهای طبقات روایت کردند که ابن عربی با مادر او ازدواج کرد و اما پروفیسور احمد آتش و دکتر نهاد ککلیتک⁵¹ این امر را ممکن ندانسته اند. قونوی حدود بیست سال همراه ابن عربی بوده است.»⁵² قونوی بعد از آنکه به قونیه آمد پدر خود را از دست داد. سپس مادرش به عقد محی الدین عربی در آمد و از آن پس در دامان شیخ اکبر پرورش یافت.

- ابن ملقن، طبقات الاولیاء، تحقیق نور الدین شریبه، قاهره، مکتبه الخانجی، 1994م، صص 467 - 468. 49

- جامی، عبدالرحمن بن احمد، نفحات الانس من حضرات القدس، تصحیح و مقدمه و پیوست مهدی توحیدی پور، انتشارات سعدي، چ دوم، تهران 1366ش، ص 555.

- پایان نامه نهاد ککلیک در مورد قونوی است. 51

- آتش، سلیمان، مکتب تفسیر اشاری، ترجمه هاشم پور سبحانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1381ش. ص 52.99

قونوی مصاحبت زیادی با مولوی داشته است.⁵³ جامی نقل می‌کند: «روزی مجلس عظیم بود و اکابر قونیه جمع شده بودند و شیخ صدر الدین بر صدر صفة بالای سجاده نشسته بود و خدمت مولوی در آمد شیخ سجاده‌ی خویش را بوی گذاشت، مولانا ننشست و گفت بقیامت چه جواب گویم که بر سجاده‌ی شیخ چرا ننشستم؟ شیخ فرمود که بر یک گوشه تو بنشین و بر یک گوشه من بنشینم، خدمت مولانا بنشست شیخ فرمود که سجاده‌ی که نشستنی ترا نشاید ما را نیز نشاید، سجاده را برداشت و دور انداخت، مولانا پیش از وی وفات کرده است و وصیت نماز خود بوی کرده.»⁵⁴

همان گونه که دیدیم صدر الدین و مولانا بسیار به یکدیگر احترام می‌گذاشتند. و در جلسات متعددی با هم ملاقات کردند، آن گونه که نوشته اند: «هم چنان که شیخ صدر الدین در حرمت مولانا می‌کوشد او نیز شیخ را عظیم حرمت می‌نهاد.»⁵⁵

23- 2- 10 - 1. اهمیت قونوی

صدر الدین قونوی معروف به "شیخ کبیر" یکی از بزرگترین چهره‌های عرفان نظری است. بدون شک، در عرفان نظری بعد از محی الدین کسی همانند او وجود ندارد. اگر تلاش‌های وی اعم از تدریس، تبیین و شروح وی بر آثار محی الدین نبود مکتب ابن عربی به این صورت رواج پیدا نمی‌کرد. همانگونه که جامی می‌گوید: «مقصود شیخ در مسأله وحدت وجود بر وجهی که مطابق عقل و شرع باشد جز به تتبع تحقیقات وی و فهم آن کما ینبغی میسر نیست.»⁵⁶

- معصوم علیشاه، محمد معصوم بن زین العابدین، طرایق الحقایق، انتشارات کتابخانه سنائی، بی تا، ج 2، ص 318. در 53 شرح حال شیخ نجم الدین رازی می‌خوانیم که قونوی و مولانا در روم ملاقات کرده است. ص 342؛ بدیع الزمان فروزانفر گوید: «در موقعیکه خبر نالانی و بیماری مولانا در قونیه انتشار یافت ... شیخ صدر الدین قدس سره به عیادت وی آمد فرمود که شفاک الله شفاء عاجلا رفع درجات باشد، امید است که صحت باشد خدمت مولانا جان عالیمان است» (زندگی نامه مولانا جلال الدین محمد مشهور به مولوی، کتابفروشی زوار، چ سوم، تهران 1354ش، صص 110-111).

- فروزانفر، بدیع الزمان، همان، ص 557؛ فروزانفر می‌نویسد: «شیخ صدر الدین بر مولانا نماز خواند و از شدت 54 بیخودی و درد شهنه‌ای بزد و از هوش برفت» (همان، ص 114).

- همان، ص 119. 55.

- ر.ک: جامی، عبدالرحمن بن احمد، نفحات الانس، تصحیح مهدی توحیدی پور، تهران، انتشارات سعیدی، چاپ دوم، 56. 1366ش. ص 556.

عرفا و حکمای بعد از شیخ اکبر، آراء شیخ را با چشم صدر الدین می‌نگریستند. دلیل این مطلب این است که مباحث عرفانی که در آثار شیخ است به صورت لمعات نور و الهامات ظاهرا مستقل از هم بیان شده است، اما قونوی این بحثها را به زبان عرفانی ایرانی که مسائل ارتباط منطقی داشتند، بیان کرد.⁵⁷

جلال الدین آشتیانی در این باره می‌گوید: «در کلمات محی الدین حرف‌های خارج از موازین علمی زیاد است. ولی صدر الدین قونوی مبانی مهمه استاد را با طرز شیوا و بیان خاص تقریر کرده است و خود او شخصی متصرف و صاحب نظریه و مطالب تازه است. *مفتاح الغیب* از تصنیفات اوست. این کتاب بهترین کتاب در عرفان نظری است.»⁵⁸

وی همچنین می‌گوید: «عظمت قونوی در عرفان و خبرگی او در تدریس و حسن سلیقه او در تقریر مبانی و قدرت و قوت فکر و نظر او در بیان و تحریر مسائل سبب شد که طالبان معرفت از اطراف و اکناف جهان اسلام به خدمت او بشتابند و مطلوب و معشوق خود را در او بیابند.»⁵⁹

او نه تنها شارح و مروج مبانی ابن عربی است، بلکه دارای استقلال فکری و قوه تحقیق و تدقیق نیز هست: «درک مطالب آثار قونوی بسیار مشکل است و انسان باید بعد از تحصیل عرفان و قرائت یکی از کتب درسی تصوف به مطالعه آثار قونوی پردازد و آن قدر به مطالعه خود ادامه دهد تا به زبان او آشنا شود.»⁶⁰

حلقه درس وی در قونیه مجمع دانشمندان بود. شاگردان زیادی را تربیت کرد. در ذیل شاگردان وی معرفی خواهد شد.

از جمله وجوه اهمیت وی، آشنایی او با فلسفه است. از میان شاگردان نزدیک شیخ اکبر، تنها قونوی بود که کاملا با فلسفه آشنا بود. او پس از مطالعه شرح خواجه نصیرالدین طوسی بر کتاب اشارات و تنبیهات ابن سینا،

- ر.ک: ویلیام چیتیک، مقدمه نقد النصوص، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران 1370، ص سی و دو. 57.

- آشتیانی، جلال الدین، شرح مقدمه قیصری، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1375ش، ص 337. 58.

- همان، پیشگفتار نقد النصوص جامی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1370ش. ص 27. 59.

. همان، ص 35. 60.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

مکاتباتی را با خواجه آغاز کرد و در آن پرسش‌های عالمانه‌ی متعددی را درباره دیدگاه مشاء مطرح ساخت. این پرسش و پاسخ‌ها در کتابی با عنوان «المراسلات بین الصدرالدین قونوی و خواجه» جمع آوری شده است.

خواجه در یکی از این مکاتبات بعد از اینکه نامه قونوی را دریافت می‌کند در ابتدای جوابیه عناوین بلندی را به قونوی نسبت می‌دهد. او می‌نویسد: «خطاب عالی مولانا امام معظم، هادی الامم کاشف الظلم صدر الملة و الدین مجد الاسلام و المسلمین لسان الحقیقه برهان الطریقه قدوة السالکین الواجدین و مقتدی الواصلین المحققین ملک الحکماء والعلماء فی الارضین برهان ترجمان الرحمن افضل و اکمل جهان - ادام الله ظلّه و جرس وبله و طله - بخادم دعا و ناشر ثنا مرید صادق و مستفید عاشق محمد الطوسی رسید بوسید و بر سر و چشم نهاد و گفت:

از نامه تو ملک جهان یافت دلم در لفظ تو عمر جاودان یافت دلم

دل مرده بدم چو نامه بر خوانده شدم از هر حرفی هزار جان یافت دلم»⁶¹

قریحه فلسفی قونوی عمدتاً در ساختار منظم و منطقی نوشته‌های او ظهور یافته است. سیطره روش عقلانی و منسجم منطقی بر آثار قونوی به حدی است که گویا تأکید بر مکاشفه عرفانی به عنوان یک منبع معرفت یک انسان منطقی را قانع نمی‌سازد. قونوی دست کم تا حدودی به دلیل اتکای به سنت فلسفی در همه مباحث خود بر محوریت وجود تأکید کرد و حال آن که این موضوع در آثار ابن عربی تقریباً از وضوح چندانی برخوردار نیست و او بیش تر راغب است تا از اصطلاحات قرآنی استفاده کند.⁶²

بر همین اساس، - همانطور که در بالا اشاره شد - بین او و خواجه نصیر الدین طوسی که یکی از بزرگترین فلاسفه است، مکاتباتی از جمله سؤال و جواب‌هایی صورت گرفت که در کتابی به نام مراسلات بین صدر الدین قونوی و نصیر الدین طوسی جمع آوری شده است.

- طوسی، خواجه نصیر الدین، المراسلات بین صدر الدین القونوی و نصیر الدین الطوسی، تحقیق کودرون شوبرت، 61 - یطلب من دار النشر فرانتس شناینر شتوتگارت، بیروت 1995م

- ویلیام چیتیک، ابن عربی، مولانا و اندیشه وحدت وجود، نشریه پژوهش‌های فلسفی کلامی، دانشگاه قم، ش 5 و 626

شیخ کبیر علاوه بر عرفان و فلسفه در دانش‌های زمان خود به ویژه در فقه مهارتی داشت و روایت حدیث می‌کرد و اجازه روایت می‌داد.

معصوم علیشاه در بیان سلسله‌های چهارده گانه معروفه از سلسله قونیویه یاد می‌کند و آن را به صدر الدین محمد بن اسحق القونیوی نسبت می‌دهد.⁶³

او همچنین در اهمیت قنوی می‌گوید: «جلالت قدر ابوالمعالی شیخ صدر الدین محمد بن اسحق قونیوی قدس سره زیاده از حد تقریر و قدر تحریر است، چنانکه می‌گویند مولانا جلال الدین در مثنوی با این اشعار اشاره به او فرموده:

پای استدلالیان چوبین بود پای چوبین سخت بی تمکین بود

غیر آن قطب زمان دیده ور کز ثباتش کوه گردد خیره سر»⁶⁴

24- 3- 10- 1. شرح آیات واحادیث

از نقاط قوت قنوی - علاوه بر آشنایی با علم حدیث - تبصر و تطبیق آموخته‌های عرفانی خود بر مضامین آیات و روایات است. وی در مقدمه شرح اربعین حدیث از زبان شاگردان و اصحابش بر این مساله صحه گذاشته است. وی می‌گوید: «أنّ جماعة من معارفي و أصحابي لما رأوا و جرّبوا أنّ بضاعتي في علم الحديث بفضل الله وافرّة و صفقتي في معرفة أسرار راحة غير خاسرة، رغبوا إليّ في استخراج جملة من الأحاديث النبويّة»⁶⁵

این خصلت مربوط به ایشان نیست. تمام عارفان حاصل تلاش خود را مدیون تدبیر و تفکر در آیات قرآن و احادیث رسول اکرم و اولیای ایشان هستند. امروز هر محققی که به آثار اولیه عارفان مسلمان توجه کند خاستگاه

63. معصوم علیشاه، محمد معصوم بن زین العابدین، طرایق الحقایق، ج 2. ص 307 و 357.

64. همان، ج 2. ص 357.

65. صدرالدین قنوی، محمد بن اسحاق، شرح الأربعین حدیثاً، تحقیق حسن کامل بیلماز، قم، بیدار، 1372 ش. ص 3.65

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

اولیه عرفان را قرآن و حدیث می‌داند. آیاتی نظیر «هو الأول والاخر و الظاهر و الباطن»⁶⁶، «أینما تولوا فثم وجه الله»⁶⁷، «هو معکم أینما کنتم»⁶⁸ هر صاحب ذوقی را به وجد آورده و او را به سمت فهم و درک و شهود این حقایق می‌کشاند.

شیخ کبیر نیز بر اساس همین سنت آنچه را در پس آیات قرآنی و احادیث نبوی است، در اختیار طالب این راه قرار می‌دهد.

25- 4-10-1. شاگردان

صدر الدین قونوی شاگردان زیادی تربیت کرده است. اکثر آنها در مکتب محی الدین بسیار تأثیر گذار هستند. از مهمترین شاگردان قونوی می‌توان از شیخ مؤید الدین جندی، شمس الدین ایکی و شیخ فخر الدین عراقی، عقیف الدین تلمسانی و شیخ سعد الدین فرغانی نام برد.⁶⁹

26- 5-10-1. آثار

صدرالدین قونوی دارای آثار متعددی است. ویلیام چیتیک در مورد آثار قونوی می‌گوید: «بروکلمان در تاریخ ادبیات عرب از 32 اثر قونوی نام برده است، و در تحقیقی جدید تر استفان روسپولی 39 کتاب و رساله از او بر می‌شمارد»⁷⁰

آثار قونوی را در ذیل بر می‌شماریم، اما باید در میان آثار او چند کتاب را به عنوان مهمترین آثار او نام برد. مهمترین آثار قونوی عبارتند از:

مفتاح غیب الجمع و الوجود (مفتاح الغیب): مهمترین کتابی که به صورت منسجم در مورد عرفان نظری نگاشته شده است، کتاب *مفتاح الغیب* است. قونوی در این اثر ماندگار خود آنچه برای بیان یک علم لازم است،

- سوره الحديد، 66.3

- سوره البقره، 67.115

- سوره الحديد، 68.4

. جامی، عبدالرحمن بن احمد، نفحات الانس من حضرات القدس، ص 556.69

. ویلیام چیتیک، مقدمه نقد النصوص، ص سی و دو. 70.

می آورد. موضوع، مبادی، مسائل و ... عرفان نظری در این کتاب آمده است و فناری مصباح الانس را در شرح آن نگاشته و بسیاری از بزرگان نیز بر آن تعلیقاتی افزوده اند.

کتاب الفکوک: این کتاب آنگونه که قونوی در مقدمه آن می گوید، به جهت شرح فصوص الحکم ابن عربی تألیف شده است.⁷¹ اثر ارزشمند شیخ اکبر دارای بیست و هفت فص است و قونوی برای توضیح هر کدام از فصوص، یک فک را اختصاص داده است. فهم برخی از مطالب فصوص الحکم، بدون رجوع به فک آن ممکن نیست.

رسالة النصوص: یکی دیگر از کتاب های مهم قونوی رسالة النصوص است که در رابطه با فصوص الحکم ابن عربی نوشته شده است. شیخ کبیر در پایان این کتاب می گوید: «تمت النصوص مفتاح مفاتيح الفصوص و الحمد لله رب العالمین...»⁷² مطالب این کتاب با عناوینی چون نص، نص شریف، نص جلیل و ... در بیست و یک نص و گاهی با عنوان فصل آمده است.

نفحات الالهیه: جناب قونوی در این کتاب از واردات قدسیه خود صحبت کرده و ما را در شناخت هرچه بهتر شخصیت قونوی یاری می کند. این کتاب دارای شصت و هشت فصل که اکثر آنها تحت عنوان نفحه آمده است و برخی با عنوان کتاب الی ... نوشته شده است.

شرح الاربعین حدیثا: همان طور که گفتیم قونوی اهل حدیث نیز بوده است. او یک اثر را به شرح حدیث اختصاص داده است. عنوان کتاب نشان از شرح چهل حدیث است و همچنین در مقدمه نیز اشاره به حدیث معروف «من حفظ علی أمّتی أربعین حدیثا...»⁷³ دارد که حاکی از شرح چهل حدیث است، اما تنها بیست و هفت

71 . ر.ک، صدر الدین قونوی، محمد بن اسحاق، کتاب الفکوک، تصحیح محمد خواجوی، تهران، انتشارات مولی، 1371، ص 180.

72 . همان. رسالة النصوص، با تعلیقات آقا میرزا هاشم اشکوری، و به اهتمام سید جلال الدین آشتیانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1362ش، ص 89.

73 - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، موسسه آل البیت، 1429ق. ج 27، ص 73.94.

حدیث را در این کتاب آمده است. در مقدمه شرح هر کدام از احادیث مباحثی عرفانی را ذکر کرده و از آن‌ها در فهم معانی باطنی حدیث استفاده می‌کند. در مواردی نیز اشاره به چینش نظام هستی کرده است.

همه روایات را از پیامبر اکرم 9 نقل می‌کند و در ابتدای اکثر روایت عنوان «ثبت فی الصحیح» ذکر شده است و این نشان از اهمیت وی به اسناد صحیح احادیث به منبع وحی است. احادیث مذکور در سه موضوع اعتقادیات، فقهی و اخلاقی است. در روایات فقهی نیز نظر به جنبه‌های باطنی حدیث دارد. مسأله طهارت، وضو، نماز جماعت، اتصال بسم الله به فاتحه الکتاب، ربا و زنا از جمله مسائلی است که مورد تحلیل واقع شده است. از مباحث مهم مطرح شده در شرح الحدیث بحث از عالم مثال و تجسم برخی از حقایق عوالم بالاتر به صورت مثالی است. همچنین بحث از حقیقت قرآن و علت نزول تدریجی آن از مباحث مهم این کتاب به شمار می‌آید.

اعجاز البیان فی تفسیر أم القرآن: از کتب مهم قانونی تفسیر وی بر سوره فاتحه الکتاب است. اهمیت این کتاب از دو جهت است؛ اولاً این کتاب با دیدگاهی عرفانی فلسفی تالیف یافته است. وی در مقدمه کتاب می‌نویسد: بعضی از خزائن اسرار که بر وی گشوده شده به طریق اشاره و ایما و با زبانی میان کشف و افشاء بیان خواهد کرد. وی تصریح می‌کند که همه این مطالب بالذات هدایایی از جانب حق تعالی است. این مسأله تقریباً در اکثر کتب عرفانی وجود دارد و ریشه آن نیز عنصر کشف و شهود است. عرفا حقایق عالم را در تجربه‌ای عرفانی شهود کرده و سپس از آن تجربه‌ها در قالب الفاظ و کلمات گزارش می‌دهند و برخی از ایشان این گزارشات را به صورتی معقول تدوین می‌کنند.

ثانیاً جناب قانونی در ابتدای این تفسیر مطالبی که جنبه عمومی دارد در دو بخش سامان می‌دهد. بخش اول مباحث معرفت‌شناسی است که در آن مراتب فکر، قواعد جدل و منشأ اندیشه‌های انسان و همچنین اهمیت کشف و برتری آن را بر عقل و استدلالات عقلی روشن می‌سازد. در بخش دوم مباحث عرفان نظری مطرح شده است. مباحث عرفان نظری از جمله منابع مهم در تفسیرهای عرفانی او از آیات و روایات است. تعالیم ایشان در بحث چینش نظام هستی‌شناسی عرفانی، او را در یافتن تاویل و تفسیر آیات و روایات یاری می‌رساند.

به طور کلی آثار شیخ کبیر را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) آثاری که قطعاً مربوط به ایشان است.

ب) آثاری که منسوب به او است.

آثاری که انتسابش به وی درست است، عبارتند از:

1. مفتاح غیب الجمع والوجود (مفتاح الغیب)

2. النصوص فی تحقیق الطور المخصوص

3. شرح حدیث الاربعین

4. النفحات الالهیه

5. الفکوک فی اسرار مستندات حکم الفصوص

6. تبصره المبتدی و تذکره المنتهی

7. التوجه الاتم الاعلی نحو الحق جل و علا

8. مرآة العارفين

9. شرح الشجرة النعمانية فی الدولة العثمانیه

10. الرسالة الهادیه

11. الرسالة المفصحه

12. الرسالة فی حق المهدي

13. صورة مكاتبة الشيخ صدر الدين القونوي، الشيخ نصير الدين الطوسي

14. صورة مكاتبة الشيخ صدر الدين القونوي الشيخ يس التلمساني

15. مکتوبات
16. وصایا
17. خرقة التصوف
18. رساله در بیان مبدأ و معاد
19. رساله السیر و السلوک
20. وصیه الشیخ صدرالدین عند الوفاء
21. شعب الايمان
22. ضابطه حکمیه
23. صورة الخط الشیخ صدرالدین القونوی الی سعد الدین الحموی
24. المفاوضات و رساله الهادیة
25. اعجاز البیان فی تاویل ام القرآن
26. رساله در باب عرش
27. کتاب الالماع ببعض کلیات اسرار السماع
28. رساله در مراتب کشف
و اما آثاری که منسوب به ایشان است، عبارتند از:
29. شرح اسماء الحسنی⁷⁴
30. مراتب التقوی

- نسخه ای در کتابخانه مجلس با نام «شرح اسماء الحسنی» منسوب به صدرالدین قونوی وجود دارد . کسانی که آشنا 74 با مضامین ایشان باشد این کتاب را ریخته خامه‌ی وی نخواهند دانست.

31. لطائف الاعلام فی اشارات اهل الالهام
32. نفعه المصدور و تحفه المشکور - در مناجات
33. النفحات الرحمانیه - یا - النفحات الربانیه و ثمرات التجلیات الاختصاصیه
34. دعاء التوحید
35. جامع الاصول - در حدیث
36. کشف استار جواهر الحکم المستخرجه الموروثة من جوامع الکلم - در شرح حدیث اربعین
37. کشف السر⁷⁵
38. الرسالة المرشدية فی احکام صفات الالهیه
39. مطالع الايمان
40. علم العلم⁷⁶

- نسخه ای در کتاب مجلس وجود دارد با نام «کشف الستر» از جناب صدرالدين قونوي که محتوای آن دقیقاً کتاب 75 - مفتاح الغیب اوست و لذا تألیف مستقلاً شمرده نمی شود.
. خواجه جوي، محمد مقدمه کتاب الفکوک، تهران، انتشارات مولی، چاپ دوم، 1385ش، صص سی و چهار تا چهل. 76.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد